امروز بامولانا

یکخبر|یکنگاه



## خسرو خورشيدى

تهران پایتخت ایران جزومعدود پایتختهای دنیا است که در فاصلهای صد سـاله معماری دگر گون شدهای را از سر گذراند. شدت تغییرات در این شهر نر مقایسه باشهرهایی مثل لندن، پاریس و برلین به ر ... ، کر ..ی کی کی کرد کارد کارد کرد. مراتب آهنگ تندتری داشت. بناهای این شهر در اوایل قرن بیستم فضایی نوستالژیک و خاطر دانگیزی

رایآمروزمامحسوبمیشود. شــهرفرنگی یکــی از همین خاطرههاس بیشتر محلههای تهران به ویژه بین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شهر فرنگی رواج داشت. شهر فرنگی ها درجهبندی یک و ۲ مانند سینماها داشتند. در درُجه یک آنها سُدت زمان نمایش تصویر یا عکسُ متحرک طولانی تر از درجه ۲ یا ۳ بود. در ارزان ترها از نور ُخورشید برای نورپردازی استفاده می شد ولی نر درجه یک از چراغ قسوه بهره میبردند. کوچه و پس کوچههای شهر همواره مشتریان پر و پا قرص شهر فرنگی هابودند.از دیگر تفریحات ، بستنی فروش های دوره گرد یا بساطی های اسباببازی فروش بودند. دوره گردهایی هم بودند که در محلههای تهران باصدای بلندفریادمی زدند: گیوه کهنه بیار نقلت بدم، نقل بیابانت بدم والبته منظور از ن نقل، چیزی جز ذرت بوداده نبود.

«محمدع» دارای نوعی از بیماری اسکیزوفرنی

ســت، او در خود فرو رفته، گوشــه گیر و کمحرف

است. وقتی از محمّدُ سوالی می پرسَـیُد، هماُن لحظه متوجه می شود ولی هنگام پاسخ دادن، شما

راندكي معطل مي كند. گويا جواب سوال را در ذهن

همین ناتوانی در پاسخگویی سریع، او را به فردی گوشــه گیر و که توان تبدیل کرده است. محمد به

تشخیص پُرنُسک معالجش در جلسات موسیقی درمانی مرکز تحت درمانش شــرکت کرد، محمد علاقه بســـیاری به نواختن تنبک از خود نشان داد

ولمان از بعقر به اعضای بدن محمد سریعتر صورت می گرفت تا به درنشی محمد داکنش بسیار سریع می گرفت تا به درنشی محمد داکنش بسیار سریع این کار راب اضربه های منظم و بی مرنگی که بر تندیک می زدانبت می کرد این ضربه هما دار اینما گاهی نامنظم بره راساس کام که با آموزش منظم بره الساس رینتم انجام شد بسفا در افزاد سالم و بدون اختلال می همیدیده می شود که انتقال مطلب و بیان احساسات ادام در با نام می درنش المان و با سالم و بدون اختلال ادام در با کار می کار می امان در اساس اساس اساس که را ساساس در کار می کار کار می کار می در کار می کار کار می کار کار می کار می

از طریق تکلم مشکل بوده که گاهی با خلق یک اثر ر رب ہے۔ هنری نمود خارجی پیدا می کند.انسان ها گاهی با گوش کردن به آهنگ متناسب با حالات درونیشان

ر ی ر ری از ی و گاه با کشیدن یک سیگار، گاهی هم خرید هدیه برای فرد مورد علاقه شان به تخلیه حالات درونی

ر کی خودمی پردازند، موسیقی تنها هنری است که به لحاظ دریافت از طریق گوش، قابل فهم و در ک برای تمام افراد شنوااست، مثل نوزادی که توانایی سخن

گفتن ندارد ولی به موسیقی عکسالعمل نشان میدهد.میخندد، دست میزند و به این طریق احساس درونی خودش رانمایان می کند. مشاهدهاین گونهواکنش هاانسان رابه اندیش

عمیق در جهت بهرهوری از موســیقی برای درمان تشــویق می کنند تـــا آنجا کــه امروزه اســـتفاده از

موسسیمی مر رسی جیری به مسیمی برر گرفت. شده به نام موسیقی درمانی موسیقی درمانی و بهطور کلی هنر درمانی در بیشتر کشورهای دنیا به شکل رشتهای دانشگاهی درحال آموزش واجرا در

مراکز درمانی است درحالی که در ایران نه تنها دوره

تی ہے۔ یقے در درمان، تبدیل به علمے پویا در دنیا

در کوچههای فرعی خیابانهای مولوی و خانی آباد و اطراف کوه بی بی شهربانو و شهرری در سالیان دهه ۲۰ همواره بساط مار گیری به راه بود. مار گیرها چند جعبه داُشتند و پس از پهن کردن بساط خُود و دور گردانی، یکی، دومار از جعبهای در می آوردند و شروع برسی یعی و صور ریسی می برستورسوری به دور گرداندن آن کرده و در دستانشان بادستمالی، مار را بالا و پایین می کردند. بعد در وصف خطرناک بودن حیوان داد سخن داده و با این وعده که در این ر. یار ۲جعبه ماری بزرگ هست که می تواند یک گوسفند را در ســـته قورت دهد بازار خود را گرم می کردند و با

می مصحب یا در جعبه بیدار شده یا نه چون اگر بیدارش کنیم عصبانی شده

و قدرتی میبابد که مهار شدنی نیست چندباری گوشهای از جعبه رابه گونهای کهجزخودش

با همین ترفند باز مقداری مردم

را تلکه می کردندوبالاخره با گفتن این که مار بی غیرت هنوز

خواب است به مراسم مار گیری

خوب است به دارسهم شار عیری خاتمه داده و باختم یک صلوات نمایش را به پایان میرساندند. تهران در بخش شیمالی خود چند ناحیه ییلاهی خسوش آب و هسوای نزدیک به هم

سی نمی دید اندکی باز کرده و

چندبار درخواست صلوات و جمع کردن پول از مردم بالاخره می گفتند:بایددید که مار بزرگ ر یرر کافهفردوسیلولهکشی به گونهای انجامشده بود . ر کی . که آبقطرهقطرهرقصاناز دیواربهپایینمیغلتید.این کافهمحل اتراق بزرگانی چون صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد فريدون آدميت، بزرگ علوی ومجتبی مینوی بود

طرف کوچُهمیرزامُحمودوزیرمیرُفتی قُهوهخانهای

دارد از کل ، سوهانک بواسایات، اهار، شخراب، میگون، فشی، شهرستانک، افجه، امارزاده داوود یونجـدازار و فرحزاداز مهرترین نقـاطا این نواحی هستند فرحزادیکی از زیباترین بیلاق های نزدیک تهران بود که باباغهای بسیار بزرگ توت در تمامی فصل هاى سال مثل مجسمه هاى زيبايى خودنمايى می کرد. افسوس که گسترش شمهر، این فضای زیبا را نابود کرد. تا قبل از دهه ۴۰، توت فرحزاد در سه صحرین ریما را بابود کرد تا قبال از دهه ۴۰ تون شرح راد در یک گوسفند جمیدهای چوبی به تهران می آمد و مفازه هایی بود بهمی کردند وبا می کرد دبا تأسیس کار خاندهای در وروار انتهایی حیاط خلوت تو شخت کنی می شد شغل کافف دسد ۱۸۱۵ می اسالات اسالات کار می انتهای

بوت حسک کیی می سد سعل ایجاد کردوحتی بازاری جهانی برای آن ساخت ولی شهرسازی بیرویه همه این فضاها را از اهالی تهران گرفت و شهری زشت جایگزین آن شد.

ر کندر وزیس دفتسر هسم، قهوهخانسه بزرگسی بسود کسه سسروصدای آن کنجسکاوی مرابرمى انگيخت. هميشه میخواسستم بدانم در آنجا چه خبر است اما این حسرت به دلم

رت. ماندچون در بچگی جــرات جدایی از پدرومادرمرا نداشتم.در محله عودلاجان در اطراف سر تخت که به

بود که شـبها کسـی در آنجا معرکه می گرفت و شاهنامهخوانی می کرد. بالاخره در ۱۳٬۱۲ سالگی دارد. از گل، سـوهانک، لواسـانات، آهار، شکر آب، یک روز بعداز تعطیلی مدرست دلم را به دریا زدم، در قهوهخانت را باز کردم و داخل رفتم، فضایی بسیار بسته، بزرگ و دیدنی داشت. رنگ آمیزی اش بسيار زيبا و شگفتانگيز بود اگر ايس فضاها با ساختاری متناسب با معماری زمان خود در گوشه و کنار محلههای قدیمی میماند و در اختیار مردم و دانشجویان فارغالتحصیل رشتههای ادب، هنر و تئاتر قرار می گرفت می توانست به شناخت پیشینه

نتار فرار می ترفعامی ووانست به نسخت پیسینه فرهنگی ماکمک کند. کافه فردوسی از محل های پاتوقی تهران و جای گرد هم آمدن اهالی علیم و ادب بود، بخش ورودی قنادی بود که بهترین شیرینی ها را عرضه می کرد. پشت قنادی فضایی بزرگ بود که تبدیل به کافشنده بود. در دیوار انتهایی حیاط خلوت کافه لوله کشی به گونه ای انجام شده بود که آب قطر مقطره رقصان از ديواربه پايين مىغلتيد.اين كافه محل اتراق بزرگانى ُ چون صادق هدايت صادق چوبک، جلال آل احمد، چون طادی مدیت طاوی و به جاران عید فریدون آدمیت، بزرگ علوی و مجتبی مینوی بود. ما هُم در سنين جواني در دهه ۲۰ پول هفتگي خُود را

هم در سنین جوانی در دهه ۱۰ پول هفتگی حود را جمع می کردیم و به این خانه می رفتیم. امروز اما بسیاری از آن بناها اب خاطره تبدیل شدهاند بسیاری از این بناها از بین رفتهادو شهر پر شده از برجهای بدقواره، عکسهای به جامانده اما هستندتامرابه خاطرات گذشته گرهبزنند.

شمنیداری۴-ایجادمیل به ارتباط با دیگران و

شرکت دربرنامه های گروهی (مخصوصا در بیماران

اسکیزوفرنی و اتیسیم) ۵-ایجاد حس آرامش،

شادی،شعف و گاهی کنجکاوی... اتیسم بیماری ای با اختلال رشدی، ار تباطی

ه بهستم بهماری به اختیال رئیستی، را بنطعی و حسی است که کودکان دارای این نوع بیماری معمولا دارای فقــدان تکامل عصبــی، اختلالات رفتاری و ناتوانی در گفتــار دارند که معمولا منجر به ایجاد مشــکل برای این کــودکان در ارتباطات به ایجاد مشــکل برای این کــودکان در ارتباطات

اجتماعی شان می شود. درمان این بیماران معمولا با تجویز پزشک معالج با مصرف داروهایی برای بهبود بخشیدن به اختیالات رفتیاری، توجه و

البتهموسيقى درمانى وهنر درمانى بهاين اختلالات

<sup>ید.</sup> اهدافموسیقیدرمانی ۱ -استفادهاز سازهای کوبهای برای ایجاد تحرکی نظم و ریتمیک با هدف ایجاد تمرکز و به فعالیت

سمار ریت. گرفتن[عضای بدن ۲-اسستفاده از دستورات شسرطی به وسیله یا اصوات بافر کانس های مختلف و بکار گیری سازهای

مختلف بامُحدودههای صوتی متفاوت ۳-شـرکت در گروههای دسـتهجمعی آواز و

سرودبا هدفايجادهماهنگي وشركت در فعاليت گروَّهی ۴-ایجاد شک شــنیداری در جلسات موس ۲۰۰۰ مـنهٔ شنیداری

رمانی وبهبودبخشیدن به تمییز شنیداری هنــر درمانی و دیگــر شــاخههای کار درمانی و

توانبخشی هیچگاه به شکل درمانی قطعی و کامل نخواهند بود بلکه در کنار تجویز دارویی بیماران از

طرف پزشکمعالجمی توانندبسیار مفیدواثر بخش

هنرمندان!بچهبیاورید!

ست. وی بــا بیــان این کــه در ســطوح پایین تر بــرای نوجوانــان، از ۱۸ ســالگی مفاهیـــم و آموزشهایـــی را در قالب فرهنگی و اجتماعی تـــدارک دیدهایـــم، گفته اســت: در این گام، سحارت دیعاه ایست. در این نام. نوجوانان از همان سنین پایین بــا مفاهیم تحکیــم بنیـــان خانواده آشــنا میشــوند تا نگاه آنها بهزندگی نگاهی مثبت و همراه با امیدواری باشد.

دكتر محمد اسلامي، معاون فنيي دفتر سلامت خانواده، جمعیت و مدارس وزارت بهداشت در گفتو گو با ایسنا، نکاتی را درمورد

فرزندا أورى دانشجويان متاهل بيان كرده

ای بــرادر طفل طفل چشــم تســت گر همیخواهی که آن خلعت رســد

1014

امیدواری باسد. همچنین، دکتر محمد اسلامی در پاسخ به پرسش از ارتباط میان «تحصیل بهویژه تحصیل زنان» با «افزایش جمعیت»، اظهار کرده است: «اعداد و ارقام موجود در کشور نشان میدهد افسرادی که تحصیلکرده تر هستند، فرزندان کُمتری دارند.» گُرچهٔ آقای اسلامی فرض را بر این گذاشتهاند که همـه این افـراد تنهـا دغدغهشـان، بجهدار

شدن است و علاقه خاصی به فرزند، آنهم به تعداد بالا دارند، اما «مشکلات ایجاد شده . در زمان تحصیل باعث میشود آنها یکسری فرصتها را از دست بدهند که درنهایت هنگام فرزندآوری سن و شرایط این افسراد دیگر . اجازه نمی دهد به تعداد دلخواه فرزند داشـــته 

کام خــود موقوف زاری دان در ســت پــس بگریان طفــل دیده بر جســد

بسوند... اسلامی در این خصوص (منظورشان فرزندآوری است) که هنرمندان بهعنوان رر رزی الگوهای مـردم چنـدان تابع چنیـن اصولی نیســتند،اظهار کـرد: «گروههـای الگو نقش . مهمی در ترویجُ سیاستهایُ افزایش جمُعیت دارند و قابلیت تمامی این گروهها در راســــــــــای ترویج سیاستهای جمعیتی باید مُورد توجه قـرار گیـرد.» نکتـه موردنظر ایشـان که در لفافه(!) بیان شده، این است که هنرمندان برای فرزندآوری، دست به کار شوند تا مردم یاد بگیرند! و هنرمندان فرزند پسرور را در این خصوص الگوي خويش قَرار دهند.

کردن ندارد یا حتی در قالب

این جا مهمترین چیزی که

. حل می کننــد. تو هم مادام

\_منظورت از حـل كردن



مى گويم: وقتش؟ ماً آن رِا دور نمی اندازیم، در - و مــن در درون خــودم خواهم پذیرفت؟

> مى پرسىم: و بعد؟ بعد ا بذير فتن جه اتفاقى مى افتد؟ یر ری پ همانطور کـه فکر میکند کمی سـرش را یـک وری می گیرد، یک حالت کاملا

طره مو دوباره تاب می خورد.

می گوید: تو کامــالا خودتی...حتی همین حالا.

سر به تایید تکان می دهد. وقتی دیگر نگاه کردن به او چشمهایم را خسته می کند آنها را می بندم. بعد بلافاصله بازشان می كنم تا مطمئن شوم هنوز أنجاست.

ر می در \_ همه با هــم زندگی می کننــد و در چیزهای خاصی شریکاند. مثل اتاق های دوش، ایستگاه برق و فروشگاه. در مــورد جا و مکان نوعی توافق ســاده و به زبان نیامده وجود دارد که پیچیده نیســت.نیاز به فکر



می گوید: این طوری نیست که از وجودت چیزی را بکنی و دور بیاندازی... درونمان آن رامیپذیریم.

PA

ر - در خوبرد حب می خورد. می گوید: بعد تو کاملا خودت می شوی. – پس منظورت این است که من تا حالا خودم نبودهام؟

بعد در این مورد فکر می کند. می گوید: آنچه منظور من است کمی با این فرق دار داما نمی توانم خوب توضیح بدهم. \_تاوقتى اتفاق نيفتد نمى شود فهميد؟

آیا اینجانوعی زندگی اشتراکی وجود دارد؟ دختر در این باره فکر می کند.



که لازم باشد چطور انجام دادنش را یادت بدهم. ر مورد زندگی وجود دارد این ست که مردم خودشان را در چيزها حل می سب و بر که این کار را کنی،مشکلی به وجود نخواهد آمد.

\_مثـالا تو وقتی بــه جنگل مــیروی جزیی از ن میشوی وقتی توی باران می روی جزیی من میشوی. \_\_\_\_\_ \_پس وقتی تو با منی جزو لاینفک منی؟

عين حال جزيي از من؟ صَّاف نَگَاهُم مَى كَنْد و به سنجاق سرش دست ۔ \_ خیلی طبیعی است. اگر بــه أن عادت كنی

ے حصر لبخندمیزند: \_این یک مثال است. لبخندی سـت بـدون هیـچ عمـق و معنای ہے۔ پنھا*نِ،*صرفایکلبخند

برشی از رمان «هارو کی موراکامی»



موسيقى درمانى رشتهاى نا آشنا درايران بايد توسط پزشک متخصص مغز واعصاب صور گیرد. تشکیل جلسات موسیقی درمانی با ایجاد چندین هـدف متفاوتُ می تواند صُـورت گیرد ۱-بالابردن تمر کزو توجه در بیماران اتیست و افراد فاقد تمرکز ۲-ابحاد تحرک و بکار گیری عضلات بدن در بیماران دارای اختلالات جسمی ۳-ایجاد تمییــز شــنیداری در بیمــاران دارای اختلالات

سارامنافی دانشجوی موسیقی



درمانی و تعداد جُلسات و نوع بر گزاری آنها حتما





تحصیلی برای این رشته در دانشگاهها وجود ندارد بلکه کلینیک و مرکز درمانی تخصصی هم درحال به تا سینیت و بر فر طرحتی دستی مهر سی فعالیت در ایران نیست. جلسات موسیقی درمانی برای کمک به چند دسته از بیماران مورد استفاده قرار می گیرد که عموما شــامل کودکان آتیســت، اسكيزوفرنىها، كم توانان جسمى وكم توانان ذهني

است استفاده از موسیقی درمانی نهتنها برای افراد دارای اختلال بلُکه برای تمامی افراد در موقعیت ُها و شرايط مختلف زندگي مي تواند مفيد و اثر بخش

و سریـــ واقع شود. البته که تجویز اســتفاده از جلســات مو



کسادی کسب و کار

